اسلام دین کامل است

**تأليف:**

**الشیخ محمد الأمین الشنقیطی**

**ترجمه:**

**دکتر ابوعاصم عبدالأحد تخاری**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | اسلام دین کامل است | | | |
| **نویسنده:** | الشیخ محمد الأمین الشنقیطی | | | |
| **مترجم:** | دکتر ابوعاصم عبدالأحد تخاری | | | |
| **موضوع:** | مجموعه عقاید اسلامی | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
|  |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[مقدمۀ مترجم 3](#_Toc329251387)

[مقدمۀ مؤلف 6](#_Toc329251388)

[اسلام دین کامل است 7](#_Toc329251389)

[مسئلۀ اول: توحید 9](#_Toc329251390)

[اول: توحید ربوبیت: 9](#_Toc329251391)

[نوع دوم: توحید الوهیت و یا توحید عبادت 11](#_Toc329251392)

[نوع سوم: توحید اسماء و صفات الله 12](#_Toc329251393)

[مسئلۀ دوم: وعظ 13](#_Toc329251394)

[هدف ازآفرینش مخلوقات 15](#_Toc329251395)

[مسئلۀ سوم : فرق میان عمل نیک و غیرآن 17](#_Toc329251396)

[مسئلۀ چهارم: حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی: [حکم و فیصله کردن به غیر شریعت اسلامی] 20](#_Toc329251397)

[مسئلۀ پنجم: احوال جامعه 23](#_Toc329251398)

[مسئلۀ ششم: مسئلۀ اقتصاد 28](#_Toc329251399)

[مسئلۀ هفتم: سیاست 29](#_Toc329251400)

[اما امور سیاست خارجی بر دو اصل و اساس استوار است: 29](#_Toc329251401)

[و اما سیاست داخلی: به نکات ذیل خلاصه می‌شود: 31](#_Toc329251402)

[مسئلۀ هشتم: سیطرۀ کفار بر مسلمان‌ها 34](#_Toc329251403)

[مسئلۀ نهم: ناتوانی مسلمان‌ها در مقابله با کفار از لحاظ تعداد و آلات جنگی 35](#_Toc329251404)

[مسئلۀ دهم: مشکل اختلاف دل‌ها 40](#_Toc329251405)

[خلاصۀ این بحث 42](#_Toc329251406)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمۀ مترجم

الحمد لله رب العالـمين والعاقبة للمتقين ولا عدوان إلا على الظالـمين، والصلاة والسلام على خاتم النبيين، وعلى آله وأصحابه أجمعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين

وبعد:

﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُ﴾ [آل‌عمران: 19]. ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل‌عمران: 85].

«همانا دين پسندیده نزد پروردگار دین اسلام است». «و هر که غیر از اسلام دین دیگری طلب کند هرگز از وی پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زيان‌كاران است».

مبارزه میان حق و باطل از زمان قدیم ادامه دارد، تمام ادیان، مذاهـب کـفری و الحادی و نهادهای ضد اسلام همیشه سعی بلیغ نمودند تا سد راه گسترش و پیشروی اسلام گردند، و همیش بر علیه اسلام عزیز توطئه، تبليغات، و دسيسه‌جويي مي‌كنند تا اسلام را در نظر جهانیان بخصوص آن عده جوانانی‌که جدیدا به اسلام مشرف می‌شوند بد و زشت نشان دهند.

جهان مسیحیت امروز از گسترش اسلام در غـرب در هراس‌اند، بدین سبب می‌خواهند به هر نحوی‌که باشد اسلام را بد نام سازند، گاهی می‌گویند اسلام منحصر به مسجد است؛ و در نظام سیاسی، طرز حکومت داری و اقتصادی مردم هیچگونه دخالتی ندارد، و پاسخ گوی مشکلات و نیازهای مردم نیست. و گاهی هم می‌گویند که [العیاذ بالله] اسلام دین ترورستی و دهشت‌افگنی است. ولی اسلام دین کامل، فراگیرنده، و جواب‌گوی تمام نیازها و مشکلات بشریت چه در دنیا و چه در آخرت و رحمت برای جهانیان است. چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗا...﴾ [المائدة: 3].

«امروز کامل کردم برای شما دین تانرا و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم اسلام را (بعنوان) دین پسندیده برای شما».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ١٠٧﴾ [الأنبیاء: 107].

«و نفرستادیم ترا (ای پیامبر) مگر رحمت برای جهانیان».

و اگر اسلام دین کامل، شامل و جواب‌گوی تمام نیازها و مشکلات مردم نمی‌بود هرگز الله تعالی آنرا تا قیام قیامت برای بشریت بعنوان یک دستور کامل و قانون کلی معرفی نمی‌کرد.

و هرچه کافران بخاطر نابود ساختن دین اسلام سعی کنند هرگز کامیاب نخواهند شد؛ زیرا که الله تعالی حفاظت آنرا به عهده گرفته است که او را بر تمام ادیان غالب خواهد کرد، چنانکه می‌فرماید: ﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُشۡرِكُونَ ٩﴾ [الصف: 9].

«اوست آن ذاتی که فرستاد پیامیر خود را با هدایت و دین راست تاغالب کند او را بر همۀ ادیان اگرچه مشرکان ناخوش شوند».

و ما در عصری زندگی می‌کنیم که از هر طرف تهاجم و حملات وحشیانه، توطئه و تبليغات سوء عليه اسلام صورت می‌گیرد با اشکال گوناگون بعنوان کمک، همكاري و بازسازي با استفاده از ضعف و ناآگاهی مردم مشغول فعالیت‌اند، بناءً بنده احساس مسؤوليت نموده خواستم تا در جهت نشر و تبليغ دين مبين اسلام سهم گرفته و برای امت اسلامی و خصوصا به برادران که به زبان فارسی آشنایی دارند خدمتی تقدیم کرده باشم.

رسالۀ که اکنون به دسترس شما خواننده‌گان گرامی قرار دارد ترجمۀ کتاب «الإسلام دین کامل» تألیف دانشمند بزرگ و شخصیت معروف و برجسته جهان اسلام (علامه شیخ محمد امین بن محمد مختار شنقیطي/) مي‌باشد، و شیخ تألیفات زیادی دارد که معروف‌ترین آنها:

1- تفسیرأضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن

2- مذکرة فی أصول الفقه علی روضة الناظر.

3- آداب البحث والـمناظرة

4- الإسلام دين كامل و غيره ‌اند.

و رسالۀ ترجمه شده گرچه بظاهر کوچک ولی در واقع پر محتوی و مشتمل بر اصول و قواعد کلیۀ اسلام است .بناءً خواستم تا آنرا به فارسی دری ترجمه کرده خدمت خوانندگان محترم تقدیم نمایم.

یقینا کار ترجمه از یک زبان به زبان دیگر کار دشواری است چونکه این کتاب اولین ترجمۀ بنده می‌باشد. لهذا از عموم خوانندگان گرامی تقاضا دارم که اگر در اثنای مطالعه سهو و خطایی در ترجمه یا در مسايل علمی و یا در طباعت بنظر بخورد از باب نصیحت و خیر خواهی به اصلاح آن کوشیده بنده را آگاه ساخته از همکاری‌شان دریغ نورزند.

و در پایان از دانشمند جوان محترم قریب الله (مطیع) سپاس گذارم که با وجود مصروفیت‌های زیادشان در تصحیح و مراجعه ترجمۀ این کتاب از هیچگونه همکاری دریغ نورزیدند، بناءً از الله بزرگ و با عظمت برای‌شان اجر بزرگی را خوهانم. وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه اجمعین.

**ابوعاصم عبدالأحد بن محمد تخاری**

17/8/1386 ﻫ ش ــ 1/10/1428ﻫ ق

مقدمۀ مؤلف

الحمد لله رب العالـمین والصلاة والسلام علی نبیّنا محمد وعلی آله وصحبه ومن دعا بدعـوته إلی یوم الدین. أما بعد:

این رسالۀ کوچک که در دسترس شما قرار دارد در واقع درسی است که به درخواست پادشاه دولت المغرب در مسجد نبوی بیان و ارائه نمودم. سپـس برخی از برادران بخاطر چاپ و نشر آن از من خواستند تا آنرا در رشتۀ تحریر در آورم، پس به ندای آنها لبیّک گفته بیانیۀ مذکور را در رشته تحریر در آوردم، و از الله بزرگ امیدوارم که من و تمام مسلمان‌ها را از این سخنان بهره‌مند گرداند «آمین».

اسلام دین کامل است

الله می‌فرماید: ﴿ٱلۡيَوۡمَ أَكۡمَلۡتُ لَكُمۡ دِينَكُمۡ وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ ٱلۡإِسۡلَٰمَ دِينٗا﴾ [المائدة: 3].

« امروز دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم».

**وقت نزول این آیت:**

این آیـه در حجة الوداع شامگاه روز عـرفه (روز جمعه) در عـرفات بر پیامبر نازل گردید. ایشان بعد از نزول آیت فـوق 81 شب در قید حیات باقی ماندند[[1]](#footnote-1).

**توضیح چند مطلب:**

1- الله متعال در آیۀ مذکور توضیح داده‌است که دین را تکمیل نموده و هرگز از آن چیزی راکم نمی‌کند، و نه به اضافه و افزایشی احتیاج دارد، ازین جهت الله متعال سلسلۀ پیامبران را به فرستادن پیامبر ما محمد مصطفی خاتمه بخشید.

2- و همچنین الله متعال در آیۀ مذکور بیان نموده است که اسلام را بعنوان دین پسندیده برای ما اختیار نموده، و از آن رضایت و خشنودی خود را اظهار داشته است. و با صراحت تام بیان داشته که بجز دین اسلام هیچ دین و آیينی را از هیچ کسی قبول نخواهد کرد؛ در مورد این مطلب الله متعال می‌فـرماید: ﴿وَمَن يَبۡتَغِ غَيۡرَ ٱلۡإِسۡلَٰمِ دِينٗا فَلَن يُقۡبَلَ مِنۡهُ وَهُوَ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٨٥﴾ [آل‌عمران: 85].

«و کسی‌که غیر از اسلام دینی دیگری را برگزیند از او پذیرفته نمی‌شود و او درآخرت از زیان‌کاران است».

و همچنین الله متعال فرموده: ﴿إِنَّ ٱلدِّينَ عِندَ ٱللَّهِ ٱلۡإِسۡلَٰمُ﴾ [آل‌عمران: 19]. «یقینا دین پسندیده نزد الله متعال همانا اسلام است».

3- تمام سعادت و نعمت‌های دارین (دنیا و آخرت) را با تکمیل نمودن دین و بیان جمله احکام آن بر ما آرزانی نموده است.

بنابر این، الله متعال می‌فـرماید: ﴿وَأَتۡمَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ نِعۡمَتِي﴾«نعمت خود را بر شما تمام کردم». پس این آیت دلیل صریح و واضح است که دین اسلام هر آن چیزی‌که انسان‌ها در دنیا و آخرت به آن نیاز دارند بطور درست و کامل بیان نموده، و هیچ چیزی از آنرا وا نگذاشته است، ما ذیلا برای وضاحت این موضوع ده مسئلۀ بزرگ و عمده را بطور مثال و نمونه بيان مي‌كنيم كه مدار همه امور دنیوی و اخروی که جهانیان به آن نیاز دارند مي‌باشد.

**این مسائل عبارت اند از:**

1. توحید.
2. وعظ.
3. فرق میان عمل نیک و غیر آن.
4. حکم کردن به غیر شریعـت اسلامی.
5. احوال توده‌ها در جامعۀ اسلامی.
6. اقتصاد.
7. سیاست.
8. مشکلات سیطرۀ کفار بر مسلمان‌ها.
9. مشکلات ضعـف و ناتوانی مسلمان‌ها در مبارزه علیه کفار از لحاظ تعداد و آلات جنگی.

10- مشکلات اختلاف دل‌ها و افکار میان افراد جامعۀ اسلامی.

اکنون می‌خواهم حل و علاج هـر یک از این مشکلات را که قرآن کریم بیان نموده واضح نمائيم، ولی در آغاز به چند مسألۀ مهم اشاره می‌کنیم:

مسئلۀ اول: توحید

با تحقیق و بررسی از آیات قرآن کریم برمی‌آید که توحید بر سه نوع است:

اول: توحید ربوبیت:[[2]](#footnote-2)

یعنی یکتا و یگانه دانستن خداوند در آفرینش، اقرار و اعتراف به این نوع توحید در فطرت و سرشت خردمندان نهاده شده است [مشرکان هم به این نوع توحید اقرار داشتند] چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَهُمۡ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ﴾ [الزخرف: 87].

«اگر از آنها سؤال کنی چه کسی ایشان را آفریده است؟ یقینا می‌گویند: الله [آفریده است]».

و همچنین می‌فرماید: ﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ أَمَّن يَمۡلِكُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَمَن يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُۚ فَقُلۡ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٣١ ﴾ [یونس: 31].

«بگو: چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد، یا کیست که مالک گوش و چشم‌ها باشد، یا چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ یا چه کسی امور(کاینات) را می‌گرداند؟ پس خواهند گفت که آن الله متعال است، پس بگو آیا نمی‌ترسید؟».

اما انکار کردن فرعـون و امثال آن از توحید ربوبیت از روی ضد و عناد و تجاهل بود. [درحالی‌که آنان در دل‌هایشان کاملا یقین و باور بر آن داشتند].

چنان‌که الله می‌فرماید: ﴿وَجَحَدُواْ بِهَا وَٱسۡتَيۡقَنَتۡهَآ أَنفُسُهُمۡ ظُلۡمٗا وَعُلُوّٗا﴾ [النمل: 14].

«و انکار کردند [ معجزه‌ها را] از روی ستمگاری و تکبر، درحالیکه دل‌هایشان به آن یقـین داشت».

و نیز می‌فرماید: ﴿قَالَ لَقَدۡ عَلِمۡتَ مَآ أَنزَلَ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ بَصَآئِرَ﴾ [الإسراء: 102].

«گفت [موسی به فرعـون] به تحقیق تو دانسته‌ای که نفرستاده است این نشانه‌ها و معجزه‌ها و دلائل روشن و واضح را مگر پروردگار آسمان‌ها و زمین».

ازین جهت قرآن کریم این نوع توحید (توحید ربوبیت) را بصیغۀ استفهام انکاری بیان نموده است.

چنانکه الله می‌فرماید: ﴿أَفِي ٱللَّهِ شَكّٞ﴾ [ابراهیم: 10] «آیا در مورد وجود الله متعال شک و تردیدی است؟».

و نیز می‌فرماید: ﴿قُلۡ أَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡغِي رَبّٗا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيۡءٖ﴾ [الأنعام: 164].«بگو: آیا [سزاوار است] پروردگاری جز الله متعال طلب کنم، و حال آنکه او پروردگار همه چیز است».

اما اقرار مشرکان به این نوع توحید برای‌شان سودی نبخشید [و آنها را در صف مسلمان‌ها داخل نساخت] زیرا آنها الله را به یکتائی عبادت و پرستش نکردند [بلکه در عبادت‌شان برای الله همتا و شریک مقرر کردند، یعنی بعضی انواع عبادت مثل دعاء، طلب شفاعت، نذر، ذبح و غیره را برای غیر خدا تخصیص داده بودند].

چنانکه الله می‌فرماید: ﴿وَمَا يُؤۡمِنُ أَكۡثَرُهُم بِٱللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشۡرِكُونَ ١٠٦﴾ [یوسف: 105].

«و ایمان نمی‌آورند اکثر آنان به الله مگر آینکه آنان [به نوعی] مشرک‌اند».

و نیز می‌فرماید: ﴿مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ﴾ [الزمر: 2].

«ما آنان را پرستش نمی‌کنیم مگر بدان خاطر که ما را به الله نزدیک گردانند».

و همچنین الله می‌فرماید: ﴿وَيَقُولُونَ هَٰٓؤُلَآءِ شُفَعَٰٓؤُنَا عِندَ ٱللَّهِۚ قُلۡ أَتُنَبِّ‍ُٔونَ ٱللَّهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾ [یونس: 18]

«و می‌گویند: (این‌ها میانجی‌های ما در نزد الله‌اند، بگو آیا الله را خبر می‌دهید از وجود چیزهای [بنام بتان و انبازها] که خداوند در آسمان‌ها و زمین سراغی از آنها ندارد».

نوع دوم: توحید الوهیت و یا توحید عبادت

و این همان توحیدی است که بغرض اثبات و تبلیغ آن پیامبران مبعـوث گردیده‌اند؛ و در مورد این توحید در میان پیامبران و امت‌هایشان نبردها و جنگ‌ها صورت گرفت، ثمره و نتیجۀ این توحید همانا متحقق و ثابت شدن معنی و مقصود: «لا إله إلاّ الله» است، [معنای لا إله إلاّ الله] بر دو اساس استوار است که همانا نفی و اثبات است.

1. معنی «لا إله» نفی تمام انواع عبادت از معبودهای غیر خدا را در بر دارد.
2. و معنی «إلاّ الله» یکتا و یگانه دانستن الله در تمام انواع عبادت بگونۀ که خود خداوند آنرا مشروع قرار داده است می‌باشد.

و اکثر آیات قرآن کریم در مورد همین نوع توحید نازل شده است. چنانکه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: 36].

«و یقینا در هر امتی پیامبری را فـرستادیم که عبادت کنید الله را (به یکتائی) و دوری کنید از بتان».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾ [الأنبیاء: 25].

«هیچ پیامبری پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می‌کردیم که هیچ معبودی بر حقی غیر از من نیست، پس مرا پرستش کنید».

و همچنین می‌فرماید: ﴿فَمَن يَكۡفُرۡ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَاۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: 256].

«پس هر که منکر طاغوت شود (معبودان باطل) و ایمان آورد به الله پس یقینا چنگ زده است بدست آویز محکم که آنرا گسستن نیست، و الله شنوای دانا است».

نوع سوم: توحید اسماء و صفات الله

این نوع توحید نیز بر دو اصل و اساس استوار است، طوری‌که الله خودش بیان نموده است.

**اول**: پاک و منزه دانستن الله از مشابهت مخلوقات.

**دوم**: ایمان داشتن و یقین کردن به تمام نام‌ها و صفاتی‌که الله متعال برای ذات خودش ثابت کرده و یا پیامبرش او را توصیف نموده است، به نحوی‌که شایستۀ کمال و عظمت اوست.

و هویداست که هیچ کسی الله را بهتر از خودش توصیف کرده نمی‌تواند، و هم چنین ـ بعد از الله متعال ـ کسی بهتر از پیامبر نمی‌تواند خدا را توصیف کند.

خداوند متعال در مورد ذات خودش می‌فرماید: ﴿قُلۡ ءَأَنتُمۡ أَعۡلَمُ أَمِ ٱللَّهُ﴾ [البقرة: 14]. «آیا شما بهتر می‌دانید یا الله؟». و از شأن رسولش خبر داده می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنطِقُ عَنِ ٱلۡهَوَىٰٓ ٣ إِنۡ هُوَ إِلَّا وَحۡيٞ يُوحَىٰ ٤﴾ [النجم: 3-4]. «از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید، آن نیست (قرآن) مگر وحی، که بسوی او فرستاده می‌شود».

همچنان الله متعال در آیۀ ذیل مماثلت یا شبیه و همانند بودن را از خود نفی کرده چنین می‌فرماید: ﴿لَيۡسَ كَمِثۡلِهِۦ شَيۡءٞ﴾ [الشوری: 11].

«هیچ چیزی شبیه و همانند الله نیست». و برای ذات خویش اثبات صفات را بطور حقیقت بیان نموده می‌فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ﴾ [الشوری: 11]. «و او شنوا و دانا است». پس جزء اول آیت به عدم تعطیل و تحریف در اسماء و صفات خداوند متعال حکم می‌کند [و جزء دوم آیت به اثبات اسماء و صفات او تعالی دلالت می‌کند]. پس از آیۀ که بالا ذکر شد واضح و هویدا می‌گردد که اثبات اسماء و صفات خداوند، حقیقتا بدون تمثیل [مثل وهمانند ثابت کردن برای الله] و نفی کردن مماثلت [مخلوق با خدا] بدون تعطیل – واجب و ضروری است.

همچنان در قرآن کریم الله بیان نموده است که مخلوقات از احاطه و دانستن ذات و صفات او تعالی عاجز هستند، چنانکه می‌فرماید: ﴿يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِۦ عِلۡمٗا ١١٠﴾ [طه: 110].

«آنچه را پیش روی آدمیان است- از امر قیامت- و آنچه را پس از آنان است- از امر دنیا- می‌داند، حال آنکه آنان به او احاطۀ عملی ندارند».

مسئلۀ دوم: وعظ

[پند دادن و نصیحت کردن] همۀ علماء بر این مسئله اتفاق نظر دارند که الله هیچ واعظ، مراقب و نکوهش دهندة فرود نفرستاده است که بهتر و بزرگ‌تر از موعظۀ علم، و معرفت و دانستن اینکه خداوند مراقب احوال بندگان است باشد. به این معنی که شخص مسلمان در هر حال و شرائطی الله  را بر گفتار و کردار خود ناظر و مراقب بداند[[3]](#footnote-3).

و یقین نماید که الله بر همه کارهای آشکار و پنهان او آگاه است، و همه انسان‌ها زیر نظارت او تعالی قرار دارند.

برای توضیح بیشتر این مسئله و نزدیک ساختن آن به اذهان خوانندگان، علماء ضرب المثلی را ذکر کرده‌اند که در روشنی آن امور غیر محسوس به مرتبه محسوس قرار می‌گیرد، مثلا یک پادشاه خون آشام، مستبد، و ستم‌گر، که شمشیرش از خون انسان‌ها رنگین، و از تمامی امکانات برخوردار باشد، و در عین وقت زن و دخترهایش در نزدش حضور داشته باشند، آیا ممکن است کسی از حاضرین در موجودیت وی به حریم و دخترهایش دست درازی کند، و یا بسوی آنها نگاهی بد کند؟ طبعا نه خیر، بلکه همۀ حاضرین را خوف و هراس در آغـوش کشیده و چشمان‌شان از ترس به زمین فرو می‌افتد، آرزوی همه این می‌باشد که از اذیت و عقـوبت پادشاه ظالم جان به سلامت برده و محفوظ بمانند.

[شرح این مطلب] ﴿وَلِلَّهِ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ﴾«برای الله مثال‌های خوب و اعلی ثابت است». یقینا او خدای‌که علم، آگاهی، هیبت و پادشاهی حقیقی‌اش تمام جهان و جهانیان را فراگیر می‌باشد، و گرفت و انتقامش سخت‌تر و قوی‌تر از آن پادشاه است [بلکه باید از انصاف کار بگیریم زیرا در حقیقت میان قدرت الله  و پادشاهان مجازی روی زمین هیچ مقایسه و مناسبتی وجود ندارد] پس پروردگاری که دارای چنین اوصاف با شکوه و با عظمت باشد سزاوارتر است که همیشه او را پرستش و از او هراس داشته باشیم.

مثال دوم: اگر اهالی یک شهر و یا منطقه بدانند که امیر آن شهر و یا منطقه از تمام کردار و گفتار خورد و بزرگ آنها در شب و روز آگاهی پیدا می‌کند یقینا همۀ مردم شب روز را در خوف و هراس سپری می‌کنند، و از تمام مخالفت‌های قانونی و اعمال زشت دست بردار خواهند شد.

[پس آن خدایی که از تمام ذرّه‌های روی زمین و ماهیان عمق دریا و مور‌های داخل زمین آگاهی دارد و می‌بیند، چرا انسان‌ها بویژه ما مسلمان‌ها از معصیت و نافرمانی الله  دست نکشیم و اطاعت و خداترسی را در تمام امور زندگی‌مان پیشه قرار ندهیم!].

هدف ازآفرینش مخلوقات

الله در قرآن کریم بیان نموده است که هـدف از آفرینش مخلوقات همانا امتحان و آزمایش آنها است، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ وَكَانَ عَرۡشُهُۥ عَلَى ٱلۡمَآءِ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾ [هود: 7].

«و اوست آن ذاتیکه آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش [خداوند] بر آب قرار داشت [و این آفرینش بزرگ شگفت را بدین خاطر ساخت] تا شما را بیازماید که کدام یک از شما عمل نیکوتر می‌کند».

و همچنین می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ وَٱلۡحَيَوٰةَ لِيَبۡلُوَكُمۡ أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفُورُ ٢﴾ [الملک: 2].

«و همان ذات (الله) مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که عمل کدام‌تان بهتر و نیکوتر است و او غالب و آمرزگاراست».

[الله متعال در آیۀ فوق اهمیت و ارزش والای عمل صالح و شایسته را بیان نموده است] ازین جهت نفرمود: «أیّکم أکثر عملا» یعنی عمل کدام یک از شما بیشتر است بلکه فرمود: ﴿أَيُّكُمۡ أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾یعنی عمل کدام یک از شما بهتر و نیکوتر است.

و این دو آیه، مراد و مقصد این قول الله را توضیح می‌دهد: ﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ ٥٦﴾ [الذاریات: 56].

«و نیافریده‌ام جن و انس را مگر برای اینکه مرا بپرستند».

و چون حکمت از آفرینش انسان‌ها و جن‌ها آزماییش و امتحان بود جبریل ÷ به امر خداوند خواست تا طریق کامیابی را برای مردم بیان کند که چگونه در امتحان کامیاب شوند.

باری جبریل ÷ نزد پیامبر آمد [و جلوشان نشست] سپس در ضمن سوالاتش از پیامبر پرسید: مرا از [مرتبه] احسان خبر ده؟ یعنی از آن چیزی‌که مخلوقات بخاطر آزماییش و امتحان در مورد آن آفریده شده‌اند. پیامبر برای جبریل پاسخ داده فرمودند: «هو أنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»[[4]](#footnote-4).

«خداوند را طوری عبادت کنی که گویا تو او را می بینی، اگر تو او را نمی‌بینی پس یقین داشته باش که او تعالی ترا می‌بیند».

بدین سبب هیچ صفحۀ از قرآن را نمی‌بینید مگر اینکه [نمونۀ] این واعظ بزرگی [قلبی] را در می‌یابید. چنانکه الله می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ١٦﴾ [ق: 16]. و ﴿مَّا يَلۡفِظُ مِن قَوۡلٍ إِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيبٌ عَتِيدٞ ١٨﴾ [ق: 18].

«به راستی ما انسان را آفریده‌ایم و چیزی را که نفسش به او وسوسه می‌کند می‌دانیم، و ما از (شاه) رگ گردن به او نزدیک‌تریم \* هیچ سخنی را به زبان در نمی‌آورد مگر این که او نگهبان حاضر و ناظری است (دو فرشته نگهبان)»[[5]](#footnote-5).

و همچنین فرمود: ﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأۡنٖ وَمَا تَتۡلُواْ مِنۡهُ مِن قُرۡءَانٖ وَلَا تَعۡمَلُونَ مِنۡ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيۡكُمۡ شُهُودًا إِذۡ تُفِيضُونَ فِيهِۚ وَمَا يَعۡزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثۡقَالِ ذَرَّةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ وَلَآ أَصۡغَرَ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرَ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٍ ٦١﴾ [یونس: 61]. «و نمی‌باشی (ای پیامبر) در هیچ شغلی و نمی‌خوانی هیچ آیة از قرآن را که از سوی باری تعالی آمده و شما (ای مؤمنان) هیچ عملی نمی‌کنید مگر اینکه ما بر شما گواهیم آنگاه که بدان مبادرت می‌ورزید، و هم وزن ذرة، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر چیزی نیست، مگر اینکه در کتاب روشن (لوح محفوظ) نوشته شده است (پس چگونه از او پنهان می‌ماند؟!)».

و نیز خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَلَآ إِنَّهُمۡ يَثۡنُونَ صُدُورَهُمۡ لِيَسۡتَخۡفُواْ مِنۡهُۚ أَلَا حِينَ يَسۡتَغۡشُونَ ثِيَابَهُمۡ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٥﴾ [هود: 5]. «آگاه باش- کافران- سینه‌های خود را – از پبامبر – می‌پیچند[[6]](#footnote-6)، تا از او پنهان شوند، آگاه باش آنگاه که آنها جامه‌های‌شان را بر سر می‌کشند، می‌داند [که خداوند] آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند -هیچ سودی نمی‌برند- چرا که او دانای راز سینه‌هاست».

و همچون آیات [حاضر و ناظر بودن الله بر همۀ اعمال و حرکات انسان] در همه مواضع قرآن کریم آمده است.

مسئلۀ سوم : فرق میان عمل نیک و غیرآن

بدون شک قرآن کریم عمل نیک [و شروط قبولیت آنرا] بیان نموده است. عمل نیک و صالح آنست که در آن سه امور [و شروط] موجود باشد، و هرگاه یکی آن مختل و مفقود گردد پس آن عمل برای صاحبش در روز قیامت هیچ فایدة نمی‌رساند.

**شروط قبول عمل وعبادت:**

**شرط اول**: عمل بنده باید باسنت  موافق باشد[[7]](#footnote-7).

زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَىٰكُمۡ عَنۡهُ فَٱنتَهُواْۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَۖ إِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ﴾ [الحشر: 7].

«و هرچه پیامبر به شما بدهد آنرا بگیرید و هر چه شما را از آن منع کند پس از آن بازایستید و از الله بترسید بی‌گمان خداوند عقوبت سختی دارد».

و نیز الله می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾ [آل‌عمران: 31].

«بگو [ای پیامبر] اگر شما الله را دوست می‌دارید پس از من پیروی کنید تا الله تعالی شما را دوست بدارد و گناهان‌تان را ببخشاید، و خداوند آمرزندۀ مهربان است».

و نیز الله می‌فرماید: ﴿لَهُمۡ شُرَكَٰٓؤُاْ شَرَعُواْ لَهُم مِّنَ ٱلدِّينِ مَا لَمۡ يَأۡذَنۢ بِهِ ٱللَّهُ﴾ [الشوری: 21].

«یا مگر برای آنان (کافران) شریکانی است که برایشان آنچه را خداوند بدان اجازه نداده –از دین- مقرر کرده‌اند».

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿قُلۡ ءَآللَّهُ أَذِنَ لَكُمۡۖ أَمۡ عَلَى ٱللَّهِ تَفۡتَرُونَ﴾ [یونس: 59].

«بگو: [ای پیامبر] آیا الله تعالی به شما اجازه داده است [که کارهای خلاف شریعت می‌کنید] یا این‌که بر الله دروغ می‌بندید».

**شرط دوم:** هر عملی که انسان [در دائره عبادت] انجام می‌دهد باید خالص برای رضا و خشنودی الله متعال باشد، طوری‌که الله خودش می‌فرماید: ﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ﴾ [البینة: 5].

«و دستور داده نشده‌اند آنها مگر اینکه الله را پرستش کنند در حالی‌که دین را برای او خالص گردانیده و حنفا باشند- فقط به دین اسلام مایل باشند-».

و همچنین می‌فرماید: ﴿قُلۡ إِنِّيٓ أُمِرۡتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ١١ وَأُمِرۡتُ لِأَنۡ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٢ قُلۡ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنۡ عَصَيۡتُ رَبِّي عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ١٣ قُلِ ٱللَّهَ أَعۡبُدُ مُخۡلِصٗا لَّهُۥ دِينِي ١٤ فَٱعۡبُدُواْ مَا شِئۡتُم مِّن دُونِهِ﴾ [الزمر: 11-15].

«بگو (ای محمد) همانا به من فرمان داده شده که الله را- در حالی‌که دین را برای او خالص ساخته‌ام – بپرستم و به من دستور داده شده است که نخستین مسلمانان «منقاد به اوامر الله متعال» باشم. بگو (ای محمد) اگر من از اوامر پروردگارم سرکشی کنم از عذاب روز بزرگ [قیامت] می‌ترسم، بگو: الله را می‌پرستم در حالی‌که دینم را برای او خالص می‌گردانم، اما شما هر چه و هر که را می‌خواهید غیر از الله عبادت کنید».

**شرط سوم:** عمل باید مبتنی و استوار بر عقیدۀ صحیح باشد، زیرا عمل بمنزلۀ سقف، و عقیده بمنزلۀ پایه و ستون است، چنانکه الله می‌فرماید: ﴿وَمَن يَعۡمَلۡ مِنَ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَلَا يَخَافُ ظُلۡمٗا وَلَا هَضۡمٗا ١١٢﴾ [طه: 112].

«و هر کس کارهای شایسته کند در حالی‌که مؤمن باشد پس وی نه از ستمی می‌ترسد و نه از نقصانی». خداوند متعال در آیات مذکور برای قبولیت عمل انسان، ایمان [عقیدۀ صحیح] را شرط قرار داده‌است، اما در مورد غیر مؤمن [کافر] می‌فرماید: ﴿وَقَدِمۡنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُواْ مِنۡ عَمَلٖ فَجَعَلۡنَٰهُ هَبَآءٗ مَّنثُورًا ٢٣﴾ [الفرقان: 23].

«و به هرگونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم سپس آن‌را- مانند ذرّه‌ها و غبار پراگنده ساختیم. [یعنی ایشان را از اجر و پاداش آن محروم می‌کنیم، چرا که نداشتن ایمان موجب محو و نابودی احسان و بی‌اعتبار شدن اعمال خوب انسان می‌گردد]».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيۡسَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُواْ فِيهَا وَبَٰطِلٞ مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٦﴾ [هود: 16].

«آنان کسانی‌اند که در آخرت جز آتش دوزخ بهره و سهمی ندارند، و آنچه در دنیا انجام می‌دهند ضایع و هدر می‌رود، و کارهای‌شان باطل و بی‌سود می‌گردد».

به این معنی در قرآن کریم آیات زیادی آمده است.

مسئلۀ چهارم: حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی: [حکم و فیصله کردن به غیر شریعت اسلامی]

قرآن کریم صراحتا بیان نموده است که حاکم گردانیدن غیر شریعت اسلامی کفر صریح و آشکار و شرک ورزیدن به الله است.

هنگامی‌که شیطان در دل‌های کفار مکه وسوسه انداخت تا از پیامبر  در مورد حیوانات خود مرده سؤال کنند که آنها را چه کسی می‌رانده است؟ پیامبر  در جواب فرمودند: «الله قتلها» یعنی آنرا [حیوان] را الله می‌رانده است. سپس باری دیگری شیطان به آنها القاء کرد که به پیامبر بگویند: آنچه که شما بدست‌هایتان ذبح می‌کنید حلال است و آنچه را که الله تعالی بدست مبارکش ذبح می‌کند او حرام است؟ پس شما [العیاذ بالله] از خدا بهتر اید[[8]](#footnote-8)، همان بود که الله  آیۀ ذیل را فرو فرستاد: ﴿وَإِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوۡلِيَآئِهِمۡ لِيُجَٰدِلُوكُمۡۖ وَإِنۡ أَطَعۡتُمُوهُمۡ إِنَّكُمۡ لَمُشۡرِكُونَ﴾ [الأنعام: 121].

«یقینا شیطان‌ها به‌سوی دوستان خویش وسوسه القاء می‌کنند تا با شما خصومت کنند و اگر فرمانبرداری ایشان را کنید بدون تردید شما هم مشرک هستید».

و داخل نشدن [فاء جزائیة] بر جملۀ: ﴿ إِنَّكُمۡ لَمُشۡرِكُونَ﴾ قرینه و دلیل ظاهر است به مقدر بودن لام قسم یعنی الله متعال در این آیۀ کریمه سوگند یاد کرده هر کسی‌که شیطان را در قانون گذاری و در حلال شمردن میتة [خود مرده] اطاعت و فرمان برداری کند او مشرک است، و این شرک اکبر است که صاحبش را به اجماع و اتفاق مسلمان‌ها از ملت اسلام خارج ساخته و در روز قیامت چنین شخص را الله جزای مناسب می‌دهد. چنانکه الله می‌فرماید: ﴿أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٦٠ وَأَنِ ٱعۡبُدُونِيۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦١﴾ [یس: 60-61].

«ای فرزندان آدم! آیا به‌سوی شما حکم نفرستاده بودم که شیطان را پرستش نکنید، یقینا او برای شما دشمن آشکار است \* و- آیا به شما دستور نداده بودم- که مرا پرستش کنید این راه راست است»[[9]](#footnote-9).

و نیز در مورد خلیلش ابراهیم می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَبَتِ لَا تَعۡبُدِ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ كَانَ لِلرَّحۡمَٰنِ عَصِيّٗا ٤٤﴾ [مریم: 44].

«پدر جان! شیطان را عبادت مکن، هر آینه شیطان عصیان‌گر خدای رحمن است». یعنی در قانون گذاری و در تجویز کفر و نافرمانی الله از شیطان پیروی مکن.

و نیز می‌فرماید: ﴿إِن يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦٓ إِلَّآ إِنَٰثٗا وَإِن يَدۡعُونَ إِلَّا شَيۡطَٰنٗا مَّرِيدٗا ١١٧﴾ [النساء: 117].

«مشرکان به جای خدا جز بت‌های مادینه را نمی‌پرستند، و نمی‌پرستند مگر شیطان متمرد و سرکش را». یعنی مقصود از پرستش و پیروی شیطان: اطاعت و فرمانبرداری از وی در قانون‌گذاری و در تحلیل و تحریم است. و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ قَتۡلَ أَوۡلَٰدِهِمۡ شُرَكَآؤُهُمۡ لِيُرۡدُوهُمۡ﴾ [الأنعام: 137].

«و اینگونه شرکای ایشان در نظر بسیاری از آنان قتل اولادشان را آراسته کرده است تا آنان را هلاک کنند». در این آیت الله معبود و پیشوایان مشرکین را بنام شرکاء [یعنی شریک] یاد کرده است بخاطری‌که مشرک‌ها در اثر اطاعت و پیروی از آنها ــ اولادشان را [مخصوصا دخترها را] کشته و از حکم الله مخالفت و سرکشی کرده‌اند.

زمانی‌که عدی بن حاتم به اسلام مشرف شد [قبلا مسیحی بود] آیۀ ذیل را از پیامبر شنید: ﴿ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابٗا مِّن دُونِ ٱللَّهِ﴾ [التوبة: 31]. «آنها [اهل کتاب] پیشوایان مذهبی [علماء] و درویشان [زاهدان]شان را به جای خدا به پروردگاری و ربوبیت گرفته‌اند». [عدی بن حاتم فرمود: ما که آنها را عبادت نمی‌کردیم!] پیامبر فرمودند: «آیا اینچنین نبود که آنها نعمات حلال خداوند را حرام قرار می‌دادند و شما نیز آنرا حرام می‌پنداشتید، به همین ترتیب آنها چیزی حرام را حلال قرار می‌دادند و شما هم قبول می‌کردید؟ عدی فرمود: آری این حقیقت است، ما آنگونه می‌کردیم[[10]](#footnote-10). پیامبر  فرمودند: همین کار شما عبادت و پرستش آنان بوده است»[[11]](#footnote-11). و در این مسئله هیچ شک نیست که اهل کتاب در قانون‌گذاری و حلال و حرام قرار دادن، از پیشوایان مذهبی و علمای‌شان اطاعت و پیروی می‌کردند، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يَزۡعُمُونَ أَنَّهُمۡ ءَامَنُواْ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبۡلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدۡ أُمِرُوٓاْ أَن يَكۡفُرُواْ بِهِۦۖ وَيُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمۡ ضَلَٰلَۢا بَعِيدٗا ٦٠﴾ [النساء: 60].

«ای پیامبر! آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند آنچه به سوی تو نازل کرده شده و به آنچه پیش از تو نازل کرده شده ایمان آورده‌اند می‌خواهند که داوری خویش را به سوی طاغوت ببرند؟ حال آنکه به ایشان فرمان داده شده است که بدان کفر ورزند و شیطان می‌خواهد که ایشان را به گمراهی دور و درازی بکشاند». [دور از راه حق وحقیقت].

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَن لَّمۡ يَحۡكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾ [المائدة: 44].

«و هر که حکم نکند به آنچه الله متعال نازل کرده است، پس ایشان خود کافرانند». و همچنین می‌فرماید: ﴿أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ أَبۡتَغِي حَكَمٗا وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنزَلَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكِتَٰبَ مُفَصَّلٗاۚ وَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يَعۡلَمُونَ أَنَّهُۥ مُنَزَّلٞ مِّن رَّبِّكَ بِٱلۡحَقِّۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُمۡتَرِينَ ١١٤﴾ [الأنعام: 114].

«بگو: [ای پیامبر] آیا داوری و فیصله کنندة به جز خدا طلب کنم؟ با اینکه اوست که این کتاب را به سوی شما واضح شده فرو فرستاد، و کسانی‌که ایشان را کتاب داده‌ایم- اهل کتاب- می‌دانند که قرآن از جانب پروردگار تو براستی فرو فرستاده شده است پس از تردید کننده‌گان مباش».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿أَفَحُكۡمَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ يَبۡغُونَۚ وَمَنۡ أَحۡسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكۡمٗا لِّقَوۡمٖ يُوقِنُونَ ٥٠﴾ [المائدة: 50].

«آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟ برای قومی‌که یقین دارند داوری چه کسی از الله بهتر است؟».

مسئلۀ پنجم: احوال جامعه

یقینا قرآن کریم با تعالیم روشن و زلال خود هر نوع نیازمندی و تشنگی جامعه را رفع نموده، و راه کامیابی را برای مردم واضح و روشن ساخته است. اسلام مسؤول و زمامدار بزرگ را دستور می‌دهد تا در برابر رعیت و افراد جامعه برخورد خوب و نرم داشته باشد، چنانکه الله می‌فرماید:

﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ لِمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٢١٥﴾ [الشعراء: 215].

«و برای مؤمنانی‌که از تو پیروی می‌کنند بال خود را فرو گستر». (گرامی‌شان بدار و از آنان درگذر). و همچنین می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ﴾ [آل‌عمران: 159].

«پس بسبب رحمت و مهربانی از جانب الله برای ایشان نرم شدی و اگر درشت خوی و سخت دل می‌بودی از دور و بر تو پراگنده می‌شدند پس از ایشان درگذر و بر ایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت کن».

و همچنین رعیت و افراد جامعه را دستور داده است که از اطاعت حکام و مسؤولین امور مسلمان‌ها دست نکشند. الله می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَأُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡ﴾ [النساء: 59].

«ای مؤمنان! الله را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و مسؤولین اموری را که از خود شما هستند اطاعت کنید». همچنین خداوند رئیس خانواده را در برابر زن و فرزندانش مسؤول قرار داده و او را دستور می‌دهد که مسؤولیت خود را در قبال آنها اداء نماید. چنانکه می‌فرماید: ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ عَلَيۡهَا مَلَٰٓئِكَةٌ غِلَاظٞ شِدَادٞ لَّا يَعۡصُونَ ٱللَّهَ مَآ أَمَرَهُمۡ وَيَفۡعَلُونَ مَا يُؤۡمَرُونَ ٦﴾ [التحریم: 6]. «ای مؤمنان خویشتن و اهل خانۀ خود را از آتش و دوزخی نگهدارید که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است بر آن آتش فرشتگان درشت خوی سختگیر گمارده شده‌اند، از الله در آنچه دستورشان داده‌است نافرمانی نمی‌کنند، و هر چه به آنان فرمان داده می‌شود انجام می‌دهند».

و همچنین شما ببینید که قرآن کریم چگونه انسان را در مورد جامعه کوچک [خانواده] متوجه نموده و آنرا به احتیاط و هوشیاری متوجه می‌سازد و دستور می‌دهد که بعد از سعی و تلاش در مورد تربیب و اصلاح آنها، اگر به کاری نا مناسبی مطلع شود باید عفو و درگذری را پیشه کند. چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجِكُمۡ وَأَوۡلَٰدِكُمۡ عَدُوّٗا لَّكُمۡ فَٱحۡذَرُوهُمۡۚ وَإِن تَعۡفُواْ وَتَصۡفَحُواْ وَتَغۡفِرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ١٤﴾ [التغابن: 14].

«ای مؤمنان! در حقیقت بعضی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شما اند، پس از ایشان حذر کنید و اگر عفو کنید و درگذرید و بیامرزید پس هر آینه خدا آمرزگار مهربان است». و همچنان افراد جامعه را دستور می‌دهد که با یکدیگر معامله و برخورد خوب و اخلاق نیک داشته باشند. چنانکه الله می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ وَٱلۡإِحۡسَٰنِ وَإِيتَآيِٕ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَيَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ وَٱلۡبَغۡيِۚ يَعِظُكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَذَكَّرُونَ ٩٠﴾ [النحل: 90].

«یقینا خداوند به عدل و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان امر می‌کند، و از بی‌حیائی و کار نا پسند و تجاوز باز می‌دارد، به شما پند می‌دهد تا باشد که پند گیرید».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجۡتَنِبُواْ كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعۡضَ ٱلظَّنِّ إِثۡمٞۖ وَ لَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغۡتَب بَّعۡضُكُم بَعۡضًاۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمۡ أَن يَأۡكُلَ لَحۡمَ أَخِيهِ مَيۡتٗا﴾ [الحجرات: 12]. «ای مؤمنان! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید هر آینه بعضی از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید و بعضی از شما بعضی دیگر را غیبت نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را باشد بخورد؟».

و همچنین می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسۡخَرۡ قَوۡمٞ مِّن قَوۡمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيۡرٗا مِّنۡهُمۡ وَلَا نِسَآءٞ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيۡرٗا مِّنۡهُنَّۖ وَلَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِۖ بِئۡسَ ٱلِٱسۡمُ ٱلۡفُسُوقُ بَعۡدَ ٱلۡإِيمَٰنِۚ وَمَن لَّمۡ يَتُبۡ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ١١﴾ [الحجرات: 11].

«ای مسلمانان! نباید قومی قوم دیگری را به ریشخند کند شاید آنها از ایشان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را به تمسخر گیرند شاید که آنان از ایشان بهتر باشند، و در میان خویش عیب‌جویی نکنید و همدیگر را به لقب‌های بد نخوانید، چه ناپسندیده است فسوق بعد از ایمان، و هر که توبه نکرد پس آن گروه ایشانند ستم‌گاران».

و همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡبِرِّ وَٱلتَّقۡوَىٰۖ وَلَا تَعَاوَنُواْ عَلَى ٱلۡإِثۡمِ وَٱلۡعُدۡوَٰنِ﴾ [المائدة: 2]. «و یکدیگر را بر نیکوکاری و پرهیزگاری مدد کنید، و بر گناه و ستم با یکدیگر همکاری نکنید»[[12]](#footnote-12). و این یک امر طبیعی است کسی‌که در میان جامعه و تودۀ انسان‌ها زندگی می‌کند از دشمنی و اذیت دشمنان انسی و جنی سالم نمی‌ماند، طوری‌که شاعر می‌گوید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| لیس یخلو الـمرء مــن ضــد ولـو |  | حـــاول العزلة في رأس الـجبل |

«هیچ انسان از مخالفت دشمن سالم نمی‌ماند، اگر چه سعی نماید که بر فراز کوه تنها زندگی کند». و چون هر فرد از افراد بشر به معالجۀ این مرض و فاجعۀ بزرگ نیاز دارد از این جهت الله علاج این مرض را در سه مواضع بیان نموده که علاج و دوای دشمنی و عداوت انسان‌ها همانا اعراض و چشم‌پوشی از اذیت جانب مقابل و همواره احسان و نیکی کردن به وی است. و اما علاج وسوسۀ شیطان جنی پناه بردن به الله از شرش می‌باشد.

**موضع اول**: الله می‌فرماید: ﴿خُذِ ٱلۡعَفۡوَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡعُرۡفِ وَأَعۡرِضۡ عَنِ ٱلۡجَٰهِلِينَ ١٩٩﴾ [الأعراف: 199].

«عفو را پیشه کن و به کار پسندیده و نیک دستور بده، و از نادانان روی بگردان».

و در مورد شیطان جنی می‌فرماید: ﴿وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٢٠٠﴾ [الأعراف: 200].

«و اگر از شیطان وسوسة به تو رسد به خدا پناه بر زیرا که او شنوای داناست».

**موضع دوم:** خداوند می‌فرماید: ﴿ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ ٱلسَّيِّئَةَۚ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ٩٦﴾ [المؤمنون: 96].

«بدی را به شیوۀ که نیکوتر است دفع کن، ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم».

و همچنین الله می‌فرماید: ﴿وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨﴾ [المؤمنون: 97-98].

«و بگو [ای محمد] پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم \* و ای پروردگارم از این‌که پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم».

**موضع سوم**: خداوند با صراحت تام بیان داشته است که این علاج آسمانی تمام آن وسوسه‌ها و بیماری‌های شیطانی را از بیخ و بن قطع می‌کند، ولی این علاج ربانی برای همۀ انسان‌ها میسر نخواهد شد، بلکه برای آنانی داده خواهد شد که [از صفت صبر و شکیبائی برخوردار بوده] و صاحبان مقام رفیع و نصیب بزرگ نزد خدا هستند. چنانکه الله می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسۡتَوِي ٱلۡحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُۚ ٱدۡفَعۡ بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِي بَيۡنَكَ وَبَيۡنَهُۥ عَدَٰوَةٞ كَأَنَّهُۥ وَلِيٌّ حَمِيمٞ ٣٤ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ٣٥﴾ [فصلت: 34-35].

«نیکی و بدی یکسان نیست، (بدی بدکار را) به شیوه‌ای که آن بهتر است دفع کن بناگاه کسی‌که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوست صمیمی است،\* به این خوی و شیوه نایل نمی‌شود مگر کسانی‌که دارای صبر و استقامت باشند، و بدان نمی‌رسد مگر کسانی‌که بهرۀ بزرگی (از خیر و کسب سعادت) داشته باشند».

و در جاهای متعددی قرآن کریم بیان نموده است که این نرمش و فروتنی مخصوص برای مسلمان‌ها می‌باشد نه برای کافران، چنانکه الله می‌فرماید: ﴿فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾ [المائدة: 54].

«پس به زودی خداوند قومی را به عرصه می‌آورد که ایشان را دوست می‌دارد و آنان هم خدا را دوست می‌دارند، بر مؤمنان متواضع ‌اند و بر کافران درشت خوی‌اند».

و نیز الله می‌فرماید: ﴿مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُم﴾ [الفتح: 29].

«محمد پیامبر خداست و آنانی‌که با اویند بر کافران سخت‌گیر، در میان خود مهربان‌اند».

[نباید در همه احوال از سختی و یا از نرمی کار گرفت، زیرا برای هر یکی موقع مناسبی است] سخت‌گیری در جای نرمی حماقت و سبک مغزیست، و نرمی در محل سختی ناتوانی و تنبلیست، طوری‌که شاعرگفته:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| إذا قیل حلم قل فللحلم موضع |  | وحلم الفتی في غیر موضعه جهل |

«چون از بردباری سخن بزنند بگو که برای بردباری جای خاصی است، و بردباری و تحمل پذیری جوان در غیر محلش نادانی است».

مسئلۀ ششم: مسئلۀ اقتصاد

قرآن کریم اصول و قواعدی که مشتمل بر همه فروع و جزئیات اقتصاد است به خوبی بیان داشته است، و جمله مسائل اقتصاد زیر دو اصل و قاعدۀ بزرگ داخل است:-

1- دقت نظر و سنجش در کسب کردن مال.

2- حسن تصرف و اندیشۀ صحیح در خرج نمودن اموال در جاهای مشروع و برای مستحقین آن.

شما ببنید که الله چگونه طریق و راه‌های کسب مال را در روشنی اسباب و وسائلی که موافق با موازین اخلاق و کرامت انسانی و شریعت اسلام است باز نموده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ ٱلصَّلَوٰةُ فَٱنتَشِرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَٱبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِ ٱللَّهِ وَٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ كَثِيرٗا لَّعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ١٠﴾ [الجمعة: 10].

«و چون نماز گزارده شد متفرق در زمین پراگنده شوید و از فضل خدا طلب کنید، و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید».

و نیز الله می‌فرماید: ﴿لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٌ أَن تَبۡتَغُواْ فَضۡلٗا مِّن رَّبِّكُمۡ﴾   
[البقرة: 198].

«بر شما گناهی نیست که در طلب روزی پروردگار خویش برآیید».

الله در انفاق و خرج کردن مال به اعتدال و میانه روی امر نموده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَجۡعَلۡ يَدَكَ مَغۡلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ فَتَقۡعُدَ مَلُومٗا مَّحۡسُورًا ٢٩﴾ [الإسراء: 29].

«و دست خود را بر گردن خویش نبند [یعنی از کمک به دیگران خود داری مکن و بخیل مباش] و بسیار هم گشاده دستی نکن [یعنی بذل و بخشش بی‌حساب مکن و اسراف مورز] که آنگاه ملامت شده و حسرت‌زده بر جای بنشینی».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَنفَقُواْ لَمۡ يُسۡرِفُواْ وَلَمۡ يَقۡتُرُواْ وَكَانَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ قَوَامٗا ٦٧﴾ [الفرقان: 67].

«و (بندگان رحمن) کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه اسراف می‌کنند، و نه بخل می‌ورزند، و شیوۀ‌شان در میان این دو حد (یعنی اسراف و بخل) وسط است. (میانه روی و اعتدال را رعایت می‌کنند)».

و از مصرف نمودن اموال در راه حرام منع کرده می‌فرماید: ﴿فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيۡهِمۡ حَسۡرَةٗ ثُمَّ يُغۡلَبُونَ﴾ [الأنفال: 36].

«پس زود باشد که آنرا خرچ کنند، باز- فرجام- آن خرچ کردن حسرتی برای‌شان باشد، سپس مغلوب می‌شوند».

مسئلۀ هفتم: سیاست

قرآن کریم اصول و قواعد سیاست را نیز بیان نموده است، و صورت‌های بارز آن را را روشن ساخته، و راه‌های آن را واضح نموده است.

کلمۀ سیاست مصدر - ساس یسوس- بمعنای تدبیر و تنظیم امور دولت است که به دو بخش تقسیم می‌شود:

1. سیاست خارجی.
2. سیاست داخلی.

اما امور سیاست خارجی بر دو اصل و اساس استوار است:

**اصل اول**: ایجاد یک قوت و نیروی کافی و بسنده برای نابود ساختن دشمن تجاوزگر، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا ٱسۡتَطَعۡتُم مِّن قُوَّةٖ وَمِن رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ تُرۡهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمۡ﴾ [الأنفال: 60].

«و - ای مسلمانان در مبارزه- هر چه در توان دارید برای آنان از قوه مهیا سازید و از اسپان آماده سازید تا با این –آمادگی‌ها- دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید».

**اصل دوم**: تلاش در راه وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی بشکل درست و فراگیر، تا در اطراف این نیرو گرد آیند، چنانکه الله می‌فرماید: ﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ جَمِيعٗا وَلَا تَفَرَّقُواْ﴾ [آل‌عمران: 103].

«و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید، و پراگنده مشوید».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنَٰزَعُواْ فَتَفۡشَلُواْ وَتَذۡهَبَ رِيحُكُمۡ﴾ [الأنفال: 46].

«و با یکدیگر اختلاف نکنید که در این صورت سست و بزدل می‌شوید و شأن و شوکت‌تان از بین می‌رود».

و همچنین قرآن کریم مسائل صلح و آشتی با کفار، و وفا به عهد و پیمان‌شان را در وقت ضرورت بیان داشته است، الله می‌فرماید: ﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ثُمَّ لَمۡ يَنقُصُوكُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَلَمۡ يُظَٰهِرُواْ عَلَيۡكُمۡ أَحَدٗا فَأَتِمُّوٓاْ إِلَيۡهِمۡ عَهۡدَهُمۡ إِلَىٰ مُدَّتِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٤﴾ [التوبة: 4].

«مگر آن مشرکانی‌که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از تعهدات خود را نسبت به شما فروگذار نکرده‌اند- نقض نکرده‌اند و علیه شما هیچ کسی را یاری نداده‌اند پس پیمان ایشان را- تا پایان مدت زمانی‌که تعیین کرده اند- تمام کنید، چرا که خداوند پرهیزگاران را دوست می‌دارد».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوۡمٍ خِيَانَةٗ فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ عَلَىٰ سَوَآءٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٨﴾ [الأنفال: 58].

«و اگر از گروهی بیم خیانت داری پس به‌سوی آنان - عهد ایشان را - به طور برابر باز گردان».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَذَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلنَّاسِ يَوۡمَ ٱلۡحَجِّ ٱلۡأَكۡبَرِ أَنَّ ٱللَّهَ بَرِيٓءٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ [التوبة: 3].

«این اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به همۀ مردم در روز حج اکبر[[13]](#footnote-13) که خدا، و پیامبرش نیز از مشرکان بیزار اند».

و همچنین الله مسلمانان را دستور داده‌است که از مکر و حیلۀ کفار بر حذر و محتاط باشند [زیرا آنها استفاده‌جو و همیشه در انتظار فرصت‌ها می‌باشند تا بر مسلمان‌ها خساره و ضربه وارد کنند] چنانکه الله می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ خُذُواْ حِذۡرَكُمۡ فَٱنفِرُواْ ثُبَاتٍ أَوِ ٱنفِرُواْ جَمِيعٗا ٧١﴾ [النساء: 71].

«ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید – در برابر دشمن- بر حذر باشید- و برای مقابله با دشمن بپاخیزید- پس رهسپار شوید، دسته دسته بیرون روید یا بطور دسته جمعی - بسوی جنگ روید».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَلۡيَأۡخُذُواْ حِذۡرَهُمۡ وَأَسۡلِحَتَهُمۡۗ وَدَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَوۡ تَغۡفُلُونَ عَنۡ أَسۡلِحَتِكُمۡ وَأَمۡتِعَتِكُمۡ فَيَمِيلُونَ عَلَيۡكُم مَّيۡلَةٗ وَٰحِدَةٗ﴾ [النساء: 102].

«و باید که بگیرند احتیاط خود را و اسلحۀ خود را برگیرند، کافران دوست دارند که از اسلحه و ساز و برگ خویش غافل شوید پس بر شما یکباره حمله کنند».

و اما سیاست داخلی: به نکات ذیل خلاصه می‌شود:

ایجاد و گسترش امنیت، برقراری، ثبات و اطمینان در جامعه، و رفع ظلم و بی‌انصافی از رعیت، و رسانیدن حقوق به مستحقـین.

**سیاست داخلی بر شش اصول و قواعد بزرگ استوار است:**

**اول: حفظ دین:** که شریعت به حفظ و نگهداری آن امر نموده است «و از جملۀ مسؤولیت‌های حکومت اسلامی است. بلکه در رأس اولویت‌های حکومت اسلامی قرار دارد». پیامبر گرامی  می‌فرمایند: «مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ»[[14]](#footnote-14).

«کسی‌که دین خود را ترک بکند پس او را بکشید». و کشتن مرتد مانع قوی و نکوهش شدیدی است برای دیگران از تبدیلی و ترک دین اسلام.

**دوم: حفظ نفس:** بخاطر صیانت و حفاظت نفس‌ها، الله در قرآن کریم قصاص را مشروع قرار داده است. طوری‌که می‌فرماید: ﴿وَلَكُمۡ فِي ٱلۡقِصَاصِ حَيَوٰةٞ يَٰٓأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٧٩﴾ [البقرة: 179]. «وای خردمندان! برای شما در قصاص [مایۀ] زندگانی است باشد که به تقوا روی آورید».

و نیز می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِصَاصُ فِي ٱلۡقَتۡلَى﴾   
[البقرة: 178].

«ای مسلمانان! بر شما در مورد کشتگان قصاص مقرر شده است».

و همچنین الله می‌فرماید: ﴿وَمَن قُتِلَ مَظۡلُومٗا فَقَدۡ جَعَلۡنَا لِوَلِيِّهِۦ سُلۡطَٰنٗا﴾   
[الإسراء: 33].

«و هر که به ستم کشته شود پس بی‌گمان وارث وی را سلطه‌ای داده‌ایم».

**سوم: حفظ عقـل:** الله در قرآن مجید به حفـظ و نگهبانی عقـل تأکید ورزیده [بخاطر صیانت و حفاظت عقـل تناول و نوشیدن مواد مخدره و هر چیزی نشه‌آور را حرام قرار داده‌است] و بخاطر حفـظ عقـل، بر نوشندۀ چیزهای نشه‌آور، حد (عقوبت) را واجب قرار داده‌است.

چنانکه می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٩٠﴾ [المائدة: 90].

«ای مسلمانان! جز این نیست که شراب و قمار و معبودان باطل و تیرهای قرعه (فال) پلید است و از کردار شیطان است، پس از آن دوری کنید باشد که رستگار شوید».

و پیامبر بزرگوار اسلام محمد فرموده‌اند: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ»[[15]](#footnote-15).

«هر نشه‌آور- مست کننده- حرام است، آنچه که مقدار زیادش نشه آورد پس مقدار کمش نیز حرام است».

**چهارم: صیانت نسب [نسل‌ها]**

بخاطر صیانت و سالم بودن نسب و نسل انسان‌ها الله حدّ زنا را مشروع قرار داده‌است. چنانکه می‌فرماید: ﴿ٱلزَّانِيَةُ وَٱلزَّانِي فَٱجۡلِدُواْ كُلَّ وَٰحِدٖ مِّنۡهُمَا مِاْئَةَ جَلۡدَةٖ﴾ [النور: 2].

«زن زنا کننده و مرد زنا کننده هر یکی از ایشان را صد درّه [شلاق] بزنید».

**پنجم: حفظ آبرو**

بخاطر حفظ و مصؤنیت آبرو و عزت انسان، الله در حق تهمت زننده هشتاد درّه را مشروع قرار داده‌است. چنانکه می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ ثُمَّ لَمۡ يَأۡتُواْ بِأَرۡبَعَةِ شُهَدَآءَ فَٱجۡلِدُوهُمۡ ثَمَٰنِينَ جَلۡدَةٗ﴾ [النور: 4].

«و کسانی‌که به زنان پاکدامن نسبت زنا می‌دهند سپس چهار گواه [بر صدق ادعای خود] نمی آورند، بدیشان هشتاد درّه [تازیانه] بزنید».

**ششم: حفظ اموال**

برای حفـظ و صیانت اموال مسلمین، الله قطع [بریدن] دست دزد را [هنگام متحقق شدن شرائط دزدی] مشروع گردانیده است. چنانکه می‌فرماید: ﴿وَٱلسَّارِقُ وَٱلسَّارِقَةُ فَٱقۡطَعُوٓاْ أَيۡدِيَهُمَا جَزَآءَۢ بِمَا كَسَبَا نَكَٰلٗا مِّنَ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٣٨﴾ [المائدة: 38].

«و مرد دزد و زن دزد؛ دست‌هایشان را ببرید به کیفر آنچه کرده‌اند،- این مجازات عبرت‌انگیز- از طرف خدا است،- پس بر آن اندوهگین نباشید- و خداوند غالب دانا [با حکمت] است».

پس از آیات مذکور واضح و آشکارا گردید که فرمان برداری و پیروی از احکام قرآن ضامن تمامی سعادت‌ها و مصالح و منافع داخلی و خارجی برای مجمتع اسلامی است.

مسئلۀ هشتم: سیطرۀ کفار بر مسلمان‌ها

چون صحابۀ کرام در جنگ احد به مصیبت رو برو شدند و این کار بر آنها دشوار و گران واقع شد، نزد پیامبر این سؤال را مطرح کردند که یا رسول الله چگونه قوم مشرک و کافر بر ما مسلط شد در حالی‌که ما بر حق و آنها بر باطل‌اند؟ پس الله به سؤال صحابه کرام پاسخ و فتوای آسمانی[[16]](#footnote-16) فرود آورد که تمام شبهات و استفهامات را از اذهان آنان زائل نمود. خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿أَوَلَمَّآ أَصَٰبَتۡكُم مُّصِيبَةٞ قَدۡ أَصَبۡتُم مِّثۡلَيۡهَا قُلۡتُمۡ أَنَّىٰ هَٰذَاۖ قُلۡ هُوَ مِنۡ عِندِ أَنفُسِكُمۡ﴾ [آل‌عمران: 165].

«آیا هنگامی‌که به شما مصیبتی رسید که دو برابر آن را- در روز بدر بر دشمن- وارد آورده بودید، گفتید این از کجاست؟ بگو: آن - شکست –از نزد خودتان است».

این مطلب را آیۀ دیگر بیشتر توضیح می‌دهد، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥٓ إِذۡ تَحُسُّونَهُم بِإِذۡنِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلۡتُمۡ وَتَنَٰزَعۡتُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ وَعَصَيۡتُم مِّنۢ بَعۡدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا تُحِبُّونَۚ مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنۡيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلۡأٓخِرَةَۚ ثُمَّ صَرَفَكُمۡ عَنۡهُمۡ لِيَبۡتَلِيَكُمۡۖ وَلَقَدۡ عَفَا عَنكُمۡۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٥٢﴾ [آل‌عمران: 125].

«و هر آینه راست کرد خدا در حق شما وعدۀ خود را، آنگاه به حکم خدا کافران را می‌کشتید، تا وقتی‌که سست شدید و در امر- پیامبر- با یکدیگر به نزاع پرداختید، و نافرمانی کردید بعد از آنکه عطا نمود به شما آنچه می‌خواستید، برخی از شما دنیا را می‌خواست و برخی از شما آخرت را می‌خواست، آنگاه شما را از ایشان باز گردانید تا شما را امتحان کند».

الله در این فتوای آسمانی بیان نموده که یقینا انگیزۀ پیروزی و سیطرۀ کفار بر شما از طرف خود شما بوده که بسبب هراس و اختلاف‌تان در ترک سنگر و نافرمانی بعضی شما از امر پیامبر و حرص و رغبت شما در متاع ناچیز دنیا بود. یعنی آن عده تیر اندازانی که بر تپۀ «رماة» بودند؛ وظیفۀ‌شان منع یورش کفار از پشت سر بر مسلمان‌ها بود، چون مشرکان در ابتدای جنگ شکست خورده فرار نمودند آنها سنگر را ترک کرده بخاطر مشارکت در جمع مال غنیمت پائین آمدند[[17]](#footnote-17) [مشرکان از عقب تپۀ عین که فعلا بنام جبل رماة مشهور است بر مسلمان‌ها یورش آوردند، و در نتیجۀ نافرمانی امر پیامبر  هفتاد تن از صحابه شهید شدند که از جمله سید الشهداء حمزه عموی پیامبر  است].

مسئلۀ نهم: ناتوانی مسلمان‌ها در مقابله با کفار از لحاظ تعداد و آلات جنگی

الله علاج و حل این معضله را بصورت واضح بیان نموده است که همانا صدق و اخلاص است. اگر الله از بنده‌هایش اخلاص و صدق را ببیند، البته آنها را نصرت بخشیده در نتیجه دشمنان قوی و نیرومند را مقهور و مغلوب خواهند ساخت، و چون یاران پیامبر هنگامی‌که در موقع بیعة الرضوان از خود اخلاص و صداقت نشان دادند، در نتیجه این اخلاص، الله متعال آنها را ستود و برای‌شان نصرت و پیروزی را وعده داد. چنانکه می‌فرماید: ﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ﴾ [الفتح: 18].

«یقینا خداوند از مؤمنان راضی گردید هنگامی‌که در زیر درخت با تو بیعت می‌کردند، و خداوند دانست آنچه را که در دل‌هایشان [از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام] نهفته بود، لذا اطمینان خاطر بر دل‌هایشان فرودآورد، و فتح نزدیکی به آنان پاداش داد».

و همچنین خداوند فرمود: ﴿وَأُخۡرَىٰ لَمۡ تَقۡدِرُواْ عَلَيۡهَا قَدۡ أَحَاطَ ٱللَّهُ بِهَا﴾   
[الفتح: 21]. «و فتوحات دیگری نیز وعده داده که هنوز به آنها دست نیافته‌اید».

در آیۀ مذکور خداوند به کمال وضاحت بیان داشته که آنها به این غنائم قادر نبودند و لکن فضل و رحمت خداوند متعال است که برای‌شان نیرو و قدرت بخشید و آنها را در مواقع مختلف به اخذ غنائم قادر و فائز گردانید، و این همانا نتیجۀ اخلاص و صداقت آنها بود؛ زیرا الله متعال از دل‌های آنان آگاه بود.

همچنان کفار در غزوۀ احزاب مسلمان‌ها را از همه جوانب محاصرۀ شدیدی کردند طوری‌که خداوند در این مورد می‌فرماید: ﴿إِذۡ جَآءُوكُم مِّن فَوۡقِكُمۡ وَمِنۡ أَسۡفَلَ مِنكُمۡ وَإِذۡ زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠ ١٠﴾ [الأحزاب: 10].

«[بیاد آرید] زمانی‌که دشمنان از فرازتان و پائین‌تان به سراغ شما آمدند [و مدینه را محاصره کردند] و زمانی را که چشم‌ها [از شدت دهشت] برگشت و دل‌ها به گلوگاه رسید و نسبت به خداوند گمان‌های می‌کردید». و یگانه راه نجات از این کمزوری و ناتوانی و محاصره، همانا اخلاص، صداقت و قوت ایمان به الله تعالی بود که در آیۀ ذیل خداوند یاد آور شده است: ﴿وَلَمَّا رَءَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥۚ وَمَا زَادَهُمۡ إِلَّآ إِيمَٰنٗا وَتَسۡلِيمٗا ٢٢﴾ [الأحزاب: 22].

«و چون مسلمانان لشکر کافران را دیدند گفتند: این است آنچه خدا و پیامبرش به ما وعده داده بودند، و خدا و رسول او راست گفتتند و این – ماجرا- در حق ایشان نیفزود مگر ایمان و گردن نهادن را».

نتائج صداقت و اخلاص را الله در آیۀ ذیل نیز ذکر نموده است چنانکه می‌فرماید: ﴿وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِغَيۡظِهِمۡ لَمۡ يَنَالُواْ خَيۡرٗاۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلۡقِتَالَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزٗا ٢٥ وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنۡ أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمۡ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَ فَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ وَتَأۡسِرُونَ فَرِيقٗا ٢٦ وَأَوۡرَثَكُمۡ أَرۡضَهُمۡ وَدِيَٰرَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُمۡ وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَ‍ُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا ٢٧﴾ [الأحزاب: 25-27].

«و خداوند کافران را به خشم باز گردانید هیچ خیر و منفعتی نیافتند، و خداوند مسلمانان را در کار جنگ کفایت کرد، و خداوند توانای غالب است \* و آنانیکه این لشکرها را مدد کرده بودند از اهل کتاب از قلعه‌هایشان فرود آورد [بنی‌قریظه] و در دل‌های ایشان خوف افگند طائفۀ را می‌کشتید و طائفۀ را اسیر می‌گرفتید و عاقبت کار: زمین ایشان و خانه‌های ایشان و مال‌های ایشان را به شما داد و نیز عاقبت کار: زمینی را به شما داد که بدان پای ننهاده بودید، خداوند بر همه چیز تواناست».

و این نصرت و تأیید خداوندی عبارت از نزول فرشتگان و وزیدن باد تند است و این چیزی بود که مسلمان‌ها در مورد آن یقین داشتند. خداوند می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ جُنُودٞ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا وَجُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ٩﴾ [الأحزاب: 9].

«ای مسلمانان نعمت خدا را بر خویش یاد آرید وقتی‌که به سوی شما لشکرها آمدند، پس بر سرشان تندبادی و لشکرهای که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم، و خداوند به آنچه می‌کردید بینا بود».

آنچه که گذشت از جملۀ دلائل و براهین واضحی است که بر صحت و بر حق بودن دین اسلام دلالت می‌کند که اگر گروه کم و ضعیف ولی متمسک و پایبند به دین اسلام باشد، بر گروه بزرگ و قوی کافران غالب خواهد شد. چنانکه خداوند فرموده: ﴿كَم مِّن فِئَةٖ قَلِيلَةٍ غَلَبَتۡ فِئَةٗ كَثِيرَةَۢ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَٱللَّهُ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾ [البقرة: 249].

«بسا گروه‌اندک غالب شد بر گروه بسیار به ارادۀ خدا، و خداوند با شکیبایان است».

از این جهت، الله جنگ بدر را که بر صحت و حقانیت دین اسلام دلالت داشت در آیات ذیل نشانه و حجت آشکار و [فرقان] یعنی فرق‌کننده میان حق و باطل نامیده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿قَدۡ كَانَ لَكُمۡ ءَايَةٞ فِي فِئَتَيۡنِ ٱلۡتَقَتَاۖ فِئَةٞ تُقَٰتِلُ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَأُخۡرَىٰ كَافِرَةٞ﴾ [آل‌عمران: 13].

«به تحقیق برای شما نشانه در دو قومی است که [در میدان جنگ بدر] با هم روبرو شدند دستۀ در راه خدا می‌جنگید [برای اعلاء کلمة الله و انتشار دین حق می‌رزمید] و دستۀ دیگر کافر بود [در راه شیطان وهواء وهوس نبرد می‌کرد]».

و نیز می‌فرماید: ﴿إِن كُنتُمۡ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ عَبۡدِنَا يَوۡمَ ٱلۡفُرۡقَانِ يَوۡمَ ٱلۡتَقَى ٱلۡجَمۡعَانِۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٌ﴾ [الأنفال: 41].

«اگر ایمان آورده‌اید به خدا و به آنچه بر بندۀ خود نازل کردیم در روزی**[[18]](#footnote-18)** که جدا شد حق از باطل، روزی‌که آن دو گروه [مؤمنان و کافران] با هم رو یاروی شدند [و با هم جنگیدند] و الله بر هر چیز توانا است».

و نیز خداوند می‌فرماید: ﴿لِّيَهۡلِكَ مَنۡ هَلَكَ عَنۢ بَيِّنَةٖ وَيَحۡيَىٰ مَنۡ حَيَّ عَنۢ بَيِّنَةٖۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنفال: 42].

«تا هلاک گردد کسی‌که هلاک شدنی است بعد از قیام حجت، و زنده بماند کسی که زنده ماندنی است بعد از قیام حجت، بی‌گمان الله شنوای داناست».

مراد روز بدر است طوری‌که نظریۀ برخی از محقـقان است.

بدون تردید که غلبه و پیروزی دستۀ کم و ضعیفی مؤمنان بر جمعی کثیر و قوی کافران دلیلی آشکار به بر حق بودن آنها بوده و مددگار ایشان یقینا الله است. چنانکه خداوند پیرامون این مطلب را از واقعۀ جنگ بدر حکایت می‌فرماید: ﴿وَلَقَدۡ نَصَرَكُمُ ٱللَّهُ بِبَدۡرٖ وَأَنتُمۡ أَذِلَّةٞۖ فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ١٢٣﴾ [آل‌عمران: 123].

«و یقینا خداوند شما را در بدر یاری کرد در حالی‌که شما ناتوان بودید پس از خدا بترسید باشد که شکرگزاری کنید».

و آن گروهی از مسلمانان که الله به آنها وعدۀ نصرت و پیروزی داده بود، صفات ایشان را در آیات ذیل بیان نموده و توسط این اوصاف آنها را از دیگران ممتاز و جدا ساخته است، طوری‌که می‌فرماید: ﴿وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحج: 40].

«و قطعا خدا کسی را که قصد نصرت وی کند نصرت می‌دهد زیرا خداوند سخت قوی و غالب است».

و همچنین می‌‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ إِن مَّكَّنَّٰهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَقَامُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتَوُاْ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَمَرُواْ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَنَهَوۡاْ عَنِ ٱلۡمُنكَرِۗ وَلِلَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ ٤١﴾ [الحج: 41].

«(آن مؤمنانی که خدا برای‌شان وعدۀ یاری و پیروزی داده است کسانی هستند که) هر گاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف، و نهی از منکر می‌نمایند و سر انجام همۀ کارها به سوی خدا بر می‌گردد»[[19]](#footnote-19).

راه‌های نجات از ناتوانی و ضعف مسلمان‌ها در مقابل کفار که قبلا به آن اشاره شد یگانه راه حل در مقابل محاصرۀ عسکری دشمن است، اما در مورد نجات از محاصره و تحریم‌های اقتصادی دشمن علیه امت اسلامی، خداوند در سورۀ المنافقین به آن اشاره نموده می‌فرماید: ﴿هُمُ ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُواْ عَلَىٰ مَنۡ عِندَ رَسُولِ ٱللَّهِ حَتَّىٰ يَنفَضُّواْۗ وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَفۡقَهُونَ ٧﴾ [المنافقین: 7].

«آنان [منافقان] کسانی هستند که می‌گویند [یاران خود را]: بر آنانی که نزد رسول خدا هستند [یعنی فقرای مهاجرین] خرچ نکنید تا پراگنده شوند- از پیرامون وی- و حال آنکه خزانه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و لیکن منافقان نمی‌فهمند».

و این راه و روش [یعنی تشویق و ترغیب مردم به انفاق نکردن به فقرای صحابه] که منافقان صدر اسلام خواستند علیه مسلمان‌ها بکار برند، عین تحریم اقتصادیی است که در عصر حاضر دشمنان اسلام بر ضد مسلمانان پیش می‌گیرند، الله در آیۀ ذیل به حل آن اشاره نموده است که همانا نیروی ایمان و صداقت و رجوع به سوی الله  می‌باشد چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ خَزَآئِنُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَلَٰكِنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ لَا يَفۡقَهُونَ﴾

«گنجینه‌های آسمان و زمین از آن خدا است و لیکن منافقان نمی‌دانند». زیرا کسی‌که مالک خزانه‌های آسمان و زمین باشد، التجاء کنندگان و فرمانبرداران امر خویش را هیچ وقت ضایع و تنها نمی‌گزارد.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَن يَتَّقِ ٱللَّهَ يَجۡعَل لَّهُۥ مَخۡرَجٗا ٢ وَيَرۡزُقۡهُ مِنۡ حَيۡثُ لَا يَحۡتَسِبُۚ وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُ﴾ [لطلاق: 2-3]. «و هر که از خدا بترسد و پرهیزگاری کند، خداوند راه نجات و خلاصی را برای او فراهم می‌سازد، و به او از جایی روزی می‌دهد که هیچ تصور نمی‌کرد، هر کسی بر خداوند توکل کند خدا او را کافی است». و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِنۡ خِفۡتُمۡ عَيۡلَةٗ فَسَوۡفَ يُغۡنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦٓ إِن شَآءَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ﴾ [التوبة: 28]. «و اگر از فقر و تنگدستی می‌ترسید پس خداوند شما را از فضل خود اگر بخواهد توانگرخواهد ساخت هر آینه خداوند دانای حکیم است».

مسئلۀ دهم: مشکل اختلاف دل‌ها

الله در سورۀ حشر بیان کرده است که سبب اختلاف قلب‌ها نبودن عقل و کم خردی است. طوری‌که خداوند می‌فرماید: ﴿تَحۡسَبُهُمۡ جَمِيعٗا وَقُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ﴾ [الحشر: 14].

«ایشان را همه یکجا مجتمع شده می‌پنداری درحالی‌که دلهای‌شان پراگنده است». سپس الله علت این اختلاف را بیان نموده است: ﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ قَوۡمٞ لَّا يَعۡقِلُونَ﴾یعنی: «این بسبب آنست که- ایشان قومی بی‌شعور هستند».

علاج ضعف عقلی و کم خردی همانا در پیروی از نور وحی نهفته است. زیرا وحی [قرآن و سنت پیامبر] به سوی مصالحی راهنمود می‌کند که عقل انسان‌ها از آن قاصر است خداوند می‌فرماید: ﴿أَوَ مَن كَانَ مَيۡتٗا فَأَحۡيَيۡنَٰهُ وَجَعَلۡنَا لَهُۥ نُورٗا يَمۡشِي بِهِۦ فِي ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ لَيۡسَ بِخَارِجٖ مِّنۡهَاۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلۡكَٰفِرِينَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٢٢﴾ [الأنعام: 122].

«آیا کسی‌که مرده بود و ما او را [با اعطای ایمان] زنده گردانیدیم و نوری به او بخشیدیم که با آن در میان مردم راه می‌رود همانند کسی است که صفتش این است که در تاریکی‌ها فرو رفته است و از آن تاریکی‌ها نمی‌تواند بیرون آید بدین سان برای کافران کار و کردارشان آراسته شده است».

الله در آیۀ مذکور این مطلب را واضح ساخت که نور ایمان [دل‌های زنگ زده را صیقل نموده] و ضمیرهای مرده را زنده ساخته و راه مستقیم را برایش روشن می‌سازد تا در پرتو آن راه برود. چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ يُخۡرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ﴾ [البقرة: 257]. «الله یاور و کارساز مؤمنان است، آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور [حق و اطمینان] بیرون می‌آورد».

همچنین می‌فرماید: ﴿أَفَمَن يَمۡشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجۡهِهِۦٓ أَهۡدَىٰٓ أَمَّن يَمۡشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٢٢﴾ [الملک: 22]. «پس آیا آن کس که نگون‌سار راه می‌رود راهیاب‌تر است، یا کسی‌که ایستاده و درست در راه راست گام بر می‌دارد».

خلاصۀ این بحث

به این ترتیب، تمامی مصالح و منافع انسان‌ها که نظام دنیا بر آن می‌چرخد، در سه بخش خلاصه می‌شود:

**اول: دفع مفاسد:** یعنی: منع و دور نمودن مفسده‌ها و زیان‌های که در نزد علمای اصول فقه به نام ضروریات پنجگانه[[20]](#footnote-20) معروف است، ثمره و خلاصۀ آن همانا دفع کردن ضرر از شش اصولی‌که قبلا [در بحث سیاست داخلی] ذکر نمودم، می‌باشد که عبارت‌اند: 1- حفظ دین 2 - حفظ نفس 3 - حفظ عقل 4 - حفظ نسب 5- حفظ آبرو و ارزش‌ها 6- حفظ مال.

**دوم: جلب مصالح:** یعنی [فراهم ساختن و بدست آوردن منافع انسان‌ها] که نزد علماء بعنوان حاجیات معروف است که از جمله می‌توان بعض فروع و مسائلی‌که در تحت حاجیات داخل است نام برد از قبیل: بیوع یعنی خرید و فروش و اجاره و عامۀ مصالح و [معاملات] مشترک و متبادل بین افراد و توده‌های جامعه بوجه مشروع.

**سوم: آراسته بودن به مکارم اخلاق:** یعنی مزیّن شدن به اخلاق ستوده و رفتار و عمل نمودن به عادات نیک و حسنه که مخالف با شریعت نباشد، که نزد علمای اصول بنام تحسینیات معروف است، و از جمله فروع و شاخه‌های جزویی که تحت این باب داخل می‌باشد از قرار ذیل‌اند:

**1- خصلت‌های فطری:** همچو: گذاشتن ریش، و کوتاه کردن بروت (سبیل).

2- **حرام دانستن چیزهای پلید و ناپاک:** [چیزهای که طبیعت انسان از آن نفرت می‌کند] و انفاق و خرچ کردن به خویشاوندان فقیر و بی‌مال. پس تمام مصالح و منافع بشر که در بالا ذکر شد به جز دین اسلام هیچ دین و آئینی دیگری در روی زمین نمی‌تواند بطور درست و حکیمانه آنرا محقق ساخته و حفظ نماید چنانکه الله می‌فرماید: ﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أُحۡكِمَتۡ ءَايَٰتُهُۥ ثُمَّ فُصِّلَتۡ مِن لَّدُنۡ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ١﴾ [هود: 1]. «الرا، [این قرآن] کتاب بزرگواری است که آیه‌های آن [توسط الله] منظم و محکم گردیده است [لذا هیچ‌گونه تناقض و خللی بدان راه ندارد] سپس به تفصیل (آیات آن) شرح و بیان شده است از جانب حکیمی آگاه»[[21]](#footnote-21).

1. - بخاری کتاب الإیمان حدیث شماره [45] و صحیح مسلم کتاب التفسیر حدیث شماره [3017] [↑](#footnote-ref-1)
2. - توحید ربوبیت عبارت است از توحید در افعال خدا یعنی اعتقاد و باور داشتن به اینکه الله متعال آفرینندۀ هـمۀ مخلوقات است، و اوست که تمام امور کائنات را تدبیر و تنظیم می‌کند، و نظام هستی را می‌چرخاند، و او تعالی روزی دهندۀ هر جنبنده ‌و زنده جان است، و هیچ کسی در پادشاهی با او تعالی شریک نیست، و از هر قسم کمبود و کوتاهی و عیب پاک و منزه است (مترجم). [↑](#footnote-ref-2)
3. - «الله را طوری پرستش کن که گویا تو او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی پس یقین داشته باشی که او ترا می‌بیند». و در این مورد از بعض صالحین چند مصرع اشعار هم نقل شده است:

   |  |  |  |
   | --- | --- | --- |
   | إذا ما خلوت الدهر یوما فلا تقــل |  | خلوت ولکن قـل علیّ رقـیب |
   | ولا تحسبـنّ الله یغـفـل ساعــــة |  | ولا أن ما تخـفی عـلیه رقـیب |
   | ألـم تر أن الیـوم أســـرع ذاهــب |  | وأن غــدا لـلـناظرین قـــریب |

   «چون اگر تو احیانا خلوت و تنهائی را اختیار کنی پس مگو که من تنها شدم و لکن بگو که بر من مراقب و ناظری وجود دارد».

   «والله متعال را برای یک لحظه هم غافـل و بی‌خبر مپندار، و نه آنچه که تو از وی پنهان می‌کنی پوشیده می‌ماند».

   «آیا نمی‌بینی که روزگار چطور به شتاب می‌گزرد، و یقینا فردا برای نظاره کننده‌گان قریب است». [↑](#footnote-ref-3)
4. - متفق علیه کتاب الإیمان از أبی هریرهس. [↑](#footnote-ref-4)
5. - یعنی (کراما کاتبین). [↑](#footnote-ref-5)
6. - یعنی روی بر می‌گردانند. [↑](#footnote-ref-6)
7. - بخاري در کتاب الصلح [2697] و مسلم در کتاب الأقضیة [1718] به روایت عائشة ل آورده است که نبی کریم ÷ فرموده‌اند: «مَنْ أَحْدَثَ فِى أَمْرِنَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ». «کسی‌که در دین ما چیزی ایجاد کند که در دین ما نباشد - پس آن چیز نو پیدا- مردود و باطل است». و در روایتی نزد مسلم آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا ؛ فَهُوَ رَدٌّ». یعنی «کسی‌که کاری را انجام دهـد که بر آن [جواز و مشروعیت] امر و فرمان ما نباشد پس - آن عمل- مردود است».

   **فائـده:** این دو حدیث بر این دلالت دارد که هر چیز نو پیدا در دین گمراهی بوده و مردود می‌باشد یعنی بدعت و نوآوری در عبادات و اعتقادات حرام و ناجائز است. و کسی‌که بدعت را به بدعت حسنه و سیّئه تقسیم می‌کند به خطا رفته و به این فرمودۀ پیامبر  مخالفـت کرده است «كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ » یعنی «هر بدعت و چیز نو پیدا در دین گمراهی است». زیرا پیامبر همه انواع بدعت‌ها را گمراهی شمرده است، درحالی‌که چنین شخصی می‌گوید: همۀ بدعت‌ها گمراهی نیست بلکه بعض انواع آن مستحسن و خوب است. نگاه : کتاب التوحید از شیخ صالح الفوزان.

   توجه: بیشتر کسانی‌که به اعمال بدعتی و رواج‌های خلاف شریعت مبتـلا هـستند به ذات و ماهیت آن عمل نگاه می‌کنند، و چون عقـل ایشان در ظاهر، آن عمل را مستحسن و خوب جلوه می‌دهد پس آنرا کار ثواب می‌پندارند؛ و غور و فکر نمی‌کنند که آیا این عمل از پیامبر و یا صحابه کرام ثابت است یانه؟ این حقیقت را باید دانست که هر عملی بخاطر ثواب انجام داده می‌شود باید از پیامبر و صحابه کرام ثابت باشد در غیر آن، بدعت و گمراهی است. باید در نظر داشت اینکه در تحسین و تقبیح اعمال [یعنی کاری را خوب و بد پنداشتن] صرف عقـل کفایت نمی‌کند؛ زیرا عبادات و اعمالی‌که بر آن ثواب مرتب می‌شود، توقیفی است و اثبات امور توقیفی به دلیل نقـلی نیاز دارد، نه به تحسین عقـل و مزاج انسان‌ها «مترجم» . [↑](#footnote-ref-7)
8. - ابوداود کتاب الأضاحی ح [2818] و ترمذی کتاب التفسیر ح [3069] و نسائی کتاب الضحایا ح [ 4437]. [↑](#footnote-ref-8)
9. - باید دانست که یکی از مقتضیات ایمان به الله تعالی و عبادت او تعالی، منقاد شدن و گردن نهادن به حکم وی، و خشنودی و رضا به شریعتش و رجوع به کتابش و سنت پیامبرش در وقت وقوع اختلاف در اقـوال و دعواها و کشمکش‌هائی‌که بر سر خون‌ها و معاملات صورت می‌گیرد می‌باشد، زیرا حکم و فرمان از آن ذات واحد لاشریک است، پس بر فرمانروایان و حاکمان واجب است که احکام خدا را نافذ و تطبیق کنند و بر رعیت واجب است در همه معاملات به قرآن و سنت رجوع کنند . کتاب التوحید صالح الفوزان [↑](#footnote-ref-9)
10. - یعنی عبادت صرف این نیست که به آنها رکوع و سجده صورت گیرد، بلکه قبول کردن امر و حکم کسی در مقابل حکم الله و رسول عبادت اوست. [↑](#footnote-ref-10)
11. - ترمذی کتاب تفسیر القرآن شمارۀ حدیث [3095] [↑](#footnote-ref-11)
12. - از آیات مذکور واضح می‌گردد که همه انسان‌ها در آفرینش‌شان از یک اصل و جوهر اند، و کسی بر دیگری برتری و فضیلتی ندارد مگر به تقوا، و همه با هم برادر اند، پس باید به کمک و همکاری یکدیگر بپردازند. [↑](#footnote-ref-12)
13. - مراد از حج اکبر روز عید قـربان است که اکثر اعمال حج در این روز انجام می‌گردد، نه اینکه روز عرفه، طوری‌که اکثر عوام الناس گمان دارند که اگر روز عرفه و جمعه در یک روز جمع شود، حج اکبر است. این آیه یک سال قبل از حج پیامبر نازل شده است «مترجم». [↑](#footnote-ref-13)
14. - بخاری شمارۀ حدیث [3017] [↑](#footnote-ref-14)
15. - ابن ماجه شمارۀ حدیث [3392] جزء اول حدیث را بخاری در کتاب المغازي باب بعث أبي موسی ومعاذ إلی الیمن قبل حجة الوداع (5 / 108) و مسلم حدیث شمارۀ (2001) روایت کرده اند. [↑](#footnote-ref-15)
16. - این اثر را ابن ابی حاتم در تفسیر خود از حسن بصری روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-16)
17. - بخاری در کتاب الجهاد باب ما یکره من التنازع والإختلاط في الحرب وعقوبة من عصی (4\ 26) از براء بن عازب روایت کرده است. [↑](#footnote-ref-17)
18. - مراد روز بدر است که درسال دوم هجری در هـفـدهم ماه مبارک رمضان بوقوع پیوست. [↑](#footnote-ref-18)
19. - شاه ولی الله/ می‌نگارد: «در این آیت دلالت است بر صحتِ خلافتِ خلفای اربعه؛ زیرا که ایشان از مهاجرین اولین بودند، و متمکن شدند در زمین. پس لازم آید که اقامت صلاة و ایتاء زکاة و امر به معروف و نهی از منکر از ایشان بظهور رسد و تمکین فی الأرض چون به آن خصال جمع شود، همان است خلافت نبوّت». فتح الرحمن بترجمة القرآن شاه ولی الله دهلوی، سورۀ حج آیۀ 41. [مترجم] [↑](#footnote-ref-19)
20. - مراد چیزی‌که از فوت آن مصالح و امور امت مختل شده و قوامش از بین می‌رود. [↑](#footnote-ref-20)
21. - ترجمۀ این رساله «الإسلام دین کامل» نوشته شیخ محمد الأمین الشنقیطی: بتاریخ 4 / 7 / 1428ﻫ به پایان رسید. اللهم لك الحمد أولاً وآخرا، ولك الشکر عـلی ما أنعمت به علینا، اللهم ارحمني واغـفـر لي ولوالديَّ ولأساتذتي ولکل من له حق علینا، وصلی الله وسلم وبارك علی نبیّنا محمد وآله وأصحابه أجمعین ومن تبعهم بإحسان إلی یوم الدین. آمین. [↑](#footnote-ref-21)